

بررسی دلایل بی میلی برخی والدین نسبت به مدرسه رفتن فرزندانشان

شکاف اعتماد میان خانه و مدرسه

آینده‌ای که از کلاس درس می گذرد

◀ **فشار اقتصادی؛ مانعی بزرگ اما پنهان**

این کارشناس آموزش در ادامه اظهار می دارد: گرچه تحصیل در مدارس دولتی به ظاهر رایگان است، اما واقعیت‌زندگی خانواده‌هاچیز دیگری می گوید.هزینه سرویس، لوازم التحریر، پوشاک، کلاس‌های تقویتی، کمک‌های داوطلبانه و ده‌ها خرج ریز و درشت دیگر، آموزش را به پروژه‌ای سنگین تبدیل کرده است. محمدی می گوید: بسیاری از خانواده‌ها در شرایط تورمی، ناچارند میان نیازهای فوری معیشتی و هزینه‌های آموزشی انتخاب کنند. در چنین وضعیتی گاهی ادامه تحصیل فرزند، به‌ویژه در مقاطع بالاتر به تعویق می افتد یا با بی میلی دنبال می شود. او تأکید می کند: وقتی خانواده‌زیر فشار اقتصادی است، آموزش از یک حق‌بدیهی به کالایی تبدیل می شود که باید برای آن چانه‌زنی کرد. این تغییر نگاه، پیامدهای گسترده‌ای برای آینده جامعه دارد.

◀ **شکاف کیفیت؛ دغدغه‌ای که جدی تر شده است**

اما مساله فقط پول نیست. والدین درباره کیفیت آموزش نیز تردید دارند.مقایسه میان مدارس، احساس نابرابری، تراکم کلاس‌ها، فرسودگی فضاهای آموزشی و کمبود معلم متخصص، سبب شده برخی خانواده‌ها احساس کنند مدرسه نمی تواند انتظارات حداقلی آنها را برآورده کند. افروز محمدی با بیان این مطلب خاطر نشان می کند:وقتی خانواده‌هاچارند برای جبران ضعف‌های مدرسه به کلاس خصوصی و آموزش بیرون از مدرسه متوسل شوند، این پرسش برایشان ایجاد می شود که نقش اصلی مدرسه چیست؟

◀ **روایت جامعه‌شناسانه از یک بی اعتمادی**

افسانه اعتمادی، کارشناس جامعه‌شناسی نیز درباره دلایل این عدم تمایل به «تعادل» می گوید: از نگاه جامعه‌شناسی، بی میلی به مدرسه را نمی توان جدا از تحولات گسترده‌تر جامعه فهمید. نهاد مدرسه زمانی از مشروعیت بالایی برخوردار بود، زیرا مسیر ارتقای اجتماعی را هموار می کرد. اما وقتی این مسیر مسدود یا مبهم می شود، سرمایه گذاری آموزشی نیز زیر سوال می رود. او می افزاید: خانواده‌ها در حال بازتعریف مفهوم موفقیت هستند، برخی به مهارت آموزی زود هنگام،

تجهیز ۱۲۰۰ مدرسه به پنل خورشیدی تا پایان بهمن

رویکردهای مناسب دولت استفاده از انرژی پاک بوده در ابتدای دولت چهاردهم هزار و دویست مگاوات انرژی پاک در کشور و در سطح استان تهران زیر ۳۰ مگاوات استفاده می‌شد. در این دولت حدود ۸۸۰۰ مجوز صادر کردیم و از این تعداد ۱۵۵۰ مگاوات در قالب ۲۶۶ پروژه آغاز به ساخت کرده‌اند؛ روز گذشته نیز وزیر کشور از یک پروژه ۲۰ مگاواتی بخش خصوصی بازدید کردیم که وارد مدار شد. وی ادامه داد: پروژه‌های ۳۲ مگاواتی و ۶۳ مگاواتی در شمس آباد نیز حداکثر تا پایان سال به

پوشش بیمه‌ای ۱۰۰ درصدی برای داروی پیوند کلیه

خارج شده و بر مبنای ارز آزاد تأمین می‌شود، قیمت آن افزایش یافته و از سوی دیگر، این دارو از تعهد بیمه‌ها خارج شده است؛ بنابراین افزایش پرداختی بیماران صرفا به دلیل چند برابر شدن قیمت دارو نیست، بلکه عمده‌تا ناشی از عدم پوشش بیمه‌ای است. رییس سازمان غذا و دارو تصریح کرد: بیماران پیوند کلیه می‌توانند از داروی ایرانی که تحت پوشش کامل بیمه قرار دارد استفاده کنند ایرانی که تحت پوشش کامل بیمه قرار دارد و وی افزود: ما این دارو از نظر ارتبخشی، کارایی لازم را دارد. پیرصالحی

تشریح چالش‌های حوزه تجهیزات پزشکی در بیمارستان‌ها

فراهم شود. وی افزود، در حوزه تجهیزات پزشکی، برخلاف دارو، نظام نسخه‌نویسی و داده‌های جامع توزیع در بیمه‌ها به شکل کامل وجود ندارد و هدف گذاری شده تا زیرساخت‌های اتصال این حوزه به سامانه‌های نسخه‌نویسی ایجاد شود تا شفافیت افزایش یابد. علیزاده با اشاره به چالش‌های مطرح شده از سوی دانشگاه‌های علوم پزشکی گفت: کمبود برخی اقلام سهمیه‌ای،

جزییات وام قرض الحسنه ۳۰ میلیون تومانی برای معلمان

تا سقف ۱۰۰ میلیون تومان تسهیلات خرید کالا در اختیار فرهنگیان قرار گیرد و ۲۰ میلیون از طریق بانک ملی به صورت قرض الحسنه برای خرید اعتباری در نظر گرفته شده است. وی توضیح داد: معلمان می‌توانند از طریق پست «پام» بانک ملی، یعنی نرخ بازدارایی بالیکشن این بانک، از این امکان استفاده کنند. در واقع قرار شد در این ظرفیت، اسامی معلمان عزیزی که بانک ملی حقوق آنها را پرداخت می‌کند، قرار گیرد تا بتوانند ۲۰ میلیون تومان به صورت قرض الحسنه خرید اعتباری انجام دهند.
فرهادی افزود: بازپرداخت این مبلغ حداکثر طی ۶ ماه و از محل کسر حقوق خواهد بود. تهاشم‌نامه امضا شده و کارهای اجرایی آن در حال انجام است و به

بی میلی برخی والدین به فرستادن

فرزندانشان به مدرسه، پدیده‌ای است که در سال‌های اخیر آرام آرام از حاشیه به متن آمده است. اگر زمانی مدرسه رفتن یک مسیر بدیهی، طبیعی و حتی افتخارآمیز برای خانواده‌ها تلقی می شد، امروز در گفت‌وگوهای روزمره والدین می‌توان تردید، اضطراب و حتی گاه نوعی مقاومت را مشاهده کرد. از هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آموزش گرفته تا نگرانی در برباره کیفیت یادگیری، امنیت روانی و آینده شغلی، مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم داده‌اند تا رابطه خانواده با مدرسه دیگر به سادگی گذشته نباشد. این موضوع تنها یک انتخاب فردی نیست؛ بلکه نشانه‌ای از تغییرات عمیق‌تر در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است. وقتی والدین می‌پرسند: «مدرسه دقیقا چه چیزی به فرزند من اضافه می‌کند؟» در واقع پرسشی بنیادین درباره کارآمدی نظام آموزشی مطرح می‌کنند. پاسخ به این پرسش نیازمند نگاه چندبعدی است؛ از منظر آموزش، جامعه‌شناسی و روانشناسی. بسیاری از والدین امروز آموزش را با معیار «بازدهی» می‌سنجند. آنها هزینه می‌کنند و انتظار دارند نتیجه ببینند؛ نتیجه‌ای که بتواند آینده تحصیلی و شغلی فرزندشان را تضمین کند. اما در شرایطی که بازار کار آشفته است و مدارک تحصیلی لزوما به اشتغال یا پایدار منجر نمی‌شود، طبیعی است که این اعتماد تضعیف شود.

◀ **سوالاتی با موضوع ارزش افزوده**

افروز محمدی، کارشناس آموزش در این باره به «تعادل» می گوید: خانواده‌ها وقتی می‌بینند فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیز برای یافتن شغل مناسب با مشکل مواجهند، زنجیره آموزش تا اشتغال را ناکارآمد ارزیابی می‌کنند. در نتیجه این پرسش برایشان ایجاد می‌شود که آیا سال‌ها حضور در مدرسه و صرف هزینه، ارزش افزوده واقعی ایجاد می‌کند یا خیر. او توضیح می‌دهد: مدرسه در ذهن بسیاری از والدین دیگر تنها محل یادگیری نیست، بلکه باید مهارت‌محور، آینده‌نگر و متناسب با نیازهای واقعی زندگی باشد. اگر خانواده احساس کند محتوای آموزشی با جهان بیرون بی ارتباط است، انگیزه برای مشارکت کاهش می‌یابد.

◀ **روی خط خبر**

استاندار تهران گفت: پیش از این دوره در کل کشور ۵۷ مدرسه داشتیم که پنل خورشیدی داشتند، اما در تهران در کمتر از یک ماه ۸۰۰ مدرسه را به پنل خورشیدی مجهز کردیم و تا پایان ماه به ۱۲۰۰ مدرسه مجهز به پنل خورشیدی می‌رسیم. محمدصادق علیزاده استاندار تهران با اشاره به ناترازی انرژی در پایتخت اظهار کرد: به دلیل سیاست‌های غلط در گذشته و تکیه کردن به سوخت‌های فسیلی باوجود این همه منابع در تأمین انرژی دچار مشکل شدیم. یکی از

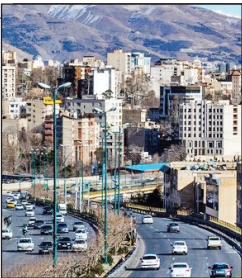
رییس سازمان غذا و دارو از پوشش بیمه‌ای ۱۰۰ درصدی برای داروی ایرانی پیوند کلیه خبر داد. مهدی پیرصالحی، رییس سازمان غذا و دارو در تشریح دلایل افزایش هزینه داروی مایفورتیک برای بیماران پیوند کلیه گفت: داروی مایفورتیک یک داروی خارجی برای بیماران پیوند کلیه است در حالی که نمونه ایرانی این دارو در کشور تولید می‌شود و تحت پوشش کامل بیمه قرار دارد و وی افزود: با توجه به اینکه داروی خارجی از شمول ارز ترجیحی

سرپرست اداره کل تجهیزات و ملزومات پزشکی سازمان غذا و دارو، بر تقویت مدیریت زنجیره تأمین و استفاده از سامانه‌های هوشمند برای افزایش شفافیت در حوزه تجهیزات پزشکی تأکید کرد.علی علیزاده گفت: استفاده از انبار مجازی و تکمیل هویت کالاها در مراکز درمانی، آزمایشگاه‌ها و موسسات تخصصی در حال پیگیری است تا امکان رصد دقیق موجودی و توزیع تجهیزات پزشکی

◀ **خبر روز**

دمای هوای تهران بالاتر از میانگین بلندمدت

مدیر کل هواشناسی استان تهران با بیان اینکه دمای هوای استان بیش از میانگین بلندمدت است، گفت: گرمای هوا موجب می‌شود بارش‌ها بیشتر به صورت باران باشند تا بارف. این وضعیت کاهش ذخیره برفی را در پی دارد. بر اساس داده‌های سازمان هواشناسی تا ۱۷ بهمن ماه استان تهران دمای بالاتر از نرمال را تجربه کرده، به گونه‌ای که میانگین آن از ابتدای زمستان ۰.۶ درجه و از ابتدای سال زراعی ۱.۵ درجه سانتیگراد بوده است. بارش این استان نیز از ابتدای فصل جاری به‌طور میانگین ۷.۶ میلیمتر در سال آبی جاری ۶۷.۶ میلیمتر کمتر از نرمال بوده است. بارش استان تهران طی بهمن ماه تا کنون از میانگین بلندمدت بیشتر بوده است البته این افزایش بارش نمی‌تواند کمبود بارش ماه قبل و پاییز را جبران کند. بارش استان تهران به‌طور میانگین بیش از ۵۰ درصد کمتر از وضعیت نرمال است.



کودکان است. جایی که قوانین روشن است و فرصت تعامل فراهم می‌شود. دور شدن از این فضا می‌تواند احساس بی‌پناهی یا انزوا را افزایش دهد. او می‌افزاید: حتی اگر کیفیت آموزشی ایده‌آل نباشد، حضور منظم در مدرسه به سلامت روان کودک کمک می‌کند. جایگزین کردن آن با آموزش‌های پراکنده، همیشه نتیجه‌شابهی ندارد.

◀ **آینده‌ای که از کلاس درس می گذرد**

بی میلی خانواده‌ها به مدرسه، زنگ خطری جدی برای سیاست‌گذاران است. اگر اعتماد به آموزش رسمی کاهش یابد، نابرابری‌های اجتماعی عمیق‌تر خواهد شد. خانواده‌هایی که منابع بیشتری دارند، مسیرهای جایگزین پیدامی‌کنند، اما دیگران ممکن است کاملاً از چرخه آموزش با کیفیت خارج شوند. در نهایت بازسازی اعتماد نیازمند اصلاحات واقعی در کیفیت، عدالت آموزشی و ارتباط میان تحصیل و اشتغال است. بدون این پیوند، تر دیده‌های باقی می‌ماند. پرسش والدین درباره فرستادن فرزند به مدرسه، تنها پرسشی درباره یک ساختمان یا برنامه درسی نیست؛ بلکه درباره آینده، امنیت اقتصادی و معنای موفقیت در جامعه امروز است. تازمانی که این دغدغه‌ها پاسخ روشنی نگیرند، بی میلی ادامه خواهد داشت. در عین حال روانشناسان هشدار می‌دهند که هرچه فاصله کودک کان با محیط مدرسه بیشتر شود، بازگشت آنها دشوار تر خواهد بود. بنابراین گفت‌وگو میان خانواده‌ها، مسئولان و متخصصان ضروری است؛ گفت‌وگویی برای بازتعریف نقش مدرسه در دنیای جدید و احیای آمیدی که زمانی با صدای زنگ آغاز می‌شد.

◀ **آثار روانی دوری بای میلی به مدرسه**

اسما ماجرا تنها به اقتصاد و جامعه ختم نمی‌شود. کودکی که احساس می‌کند مدرسه رفتنش برای خانواده اهمیتی ندارد یا با تردید همراه است، پیام‌های پیچیده‌ای در یافت می‌کند. اینجاست که پای روانشناسی به میان می‌آید. فرئوش حریر چیان، روانشناس کودک نیز در این باره به «تعادل» می گوید: مدرسه فقط محل آموزش ریاضی و علوم نیست؛ محیطی برای اجتماعی شدن، یادگیری همکاری، رقابت و سالم و شکل گیری هویت فردی است. حذف یا تضعیف این تجربه بر تواند بر رشد عاطفی کودک تأثیر بگذارد. او توضیح می‌دهد: بی‌ثباتی در حضور آموزشی، می‌تواند حس تعلق را کاهش دهد و کودک را در برقراری روابط پایدار با همسالان دچار مشکل کند.

◀ **اضطراب آینده؛ میراث مشترک خانواده و کودک**

این روانشناس ادامه می‌دهد: وقتی والدین با نگرانی و امیدوی درباره کارآمدی مدرسه صحبت می‌کنند، این اضطراب به فرزند منتقل می‌شود. کودک ممکن است تلاش تحصیلی را بی‌فایده بداند یا انگیزه خود را دست بدهد. در نتیجه چرخه‌ای شکل می‌گیرد که کفایت تحصیلی و کاهش اعتمادبهنفس را به دنبال دارد. او هشدار می‌دهد: این وضعیت در بلندمدت می‌تواند به گیرایی اجتماعی و حتی مشکلات رفتاری منجر شود.

◀ **مدرسه به مثابه فضای امن**

حریر چیان تأکید می‌کند: یکی از کارکردهای مهم مدرسه، ایجاد فضای امن و قابل پیش‌بینی برای

◀ **رویداد**

نشست اصناف با رییس جمهور فرمایشی بود!



مادرش بیمار است، آن یکی اگر اضافه کار نباشد نمی‌تواند کرایه خانه بدهد و دیگری روزی سه ساعت در رفت و آمد است تا نان سر سفره ببرد و یا بعد از این روایت‌های تلخ اضافه می‌کند: «لان من و دو تاز کار گرهایم رانده‌اند، شدیم دو تا پیک موتوری و آنهایی که موتور هم ندارند، خانه نشسته‌اند، به امید فردایی که معلوم نیست اصلاً از راه برسد.» تولیدکننده‌های خردی مثل علیرضا در این سال‌های سخت کار را با چنگ و دندان حفظ کرده‌اند و در زمان جنگ ۱۲ روزه و تعطیلی موقت کارگاه، ماشین زیر پایش را ۳ میلیارد فروخته تا چک‌هایش را پاس کند و حقوق کارگرها را بدهد؛ حالا می‌گوید همان ماشین ۶ میلیارد شده یعنی ضرر اندر ضرر. این تولیدکننده‌بیکار می‌گویند: برای سرپاماندن تولید کلی هزینه دادیم؛ برای اعتراض هم هزینه دادیم، کمترین هزینه را من دادم که فقط اسسم در لیست سیاه رفت و مجبور شدم به زور در کارگاه را باز کنم؛ برخی شاگرد معازها و آشنایانم را می‌شناسم که در اعتراضات جان خود را از دست دادند...

◀ **وضعیت بی سابقه بازار طی ۲۰ سال اخیر**

امایان همه هزینه نتیجه‌ای هم ندانسته. «شب عیداست اما بازار نیست» این وضعیت در بیست سال اخیر که من کف بازار بودهام بی سابقه است» علیرضا اینهارا می‌گوید چون همچنان نگران آینده‌اسم نمی‌تواند نباشد؛ زندگی خودش، خانواده‌اش و دوازده خانواده دیگر به بازاری پر آشوب گره خورده؛ بازاری که حتی شب عید هم فروش ندارد. او آخر حرف‌هایش نیمه‌تاریکی می‌گوید: «خیلی غمگینم، برای خودم، برای دیگران... من و امثال من اگر اهل دلایی و پارتنی بازی بودم، الان مالتی میلیارد در بودیم، پول روی پول می‌گذاشتیم.» سپس چند تأثیری تهاه‌رشد را به افق مه گرفته می‌دزد و ادامه می‌دهد: «حالا چی میشه، آخر و عاقبت مون چی میشه؟ من، کار گرام، بازاری‌ها، همه مردم...»

قبل از آن هم چنگی به دل نمی‌زد اما در روزهای وسط آخر وقتی یک بار پارچه به کارخانه‌ای بزرگ که سال‌ها طرف قرار دادم بود سفارش دادم، دو روز بعد، هنوز کالا را نفر ستاده، گفتند باید بیست درصد بیشتر پول بدهی چون پارچه گران شده؛ من این پول غیر قانونی را دادم، در واقع پول زور دادم! این قضیه دو بار دیگر هم تکرار شد، دیگر کم آوردم، در واقع من و هم‌صنفام مثل همه کسب‌ها واقعا گم‌آوریم...»

◀ **آغاز ماجرا و هشدار پلمب مغازه‌ها**

هفتم و هشتم دی‌ماه، کسب‌ها به نشانه اعتراض، کارگاه‌ها و مغازه‌های محدوده جمهوری تهران را بستند و به خیابان آمدند؛ علیرضا می‌گوید: در عرض ۲۴ ساعت پیامک هشدار آمد که اگر ۴۸ ساعت آینده باز نکنید، مغازه‌تان پلمب می‌شود؛ بدون اینکه حرف‌ها و دغدغه‌های ما را بشنوند، تهدیدمان کردند، نمی‌خواستیم باز کنیم اما اعتراض‌شکن‌ها کار را خراب کردند؛ در کارگاه‌ها راباز کردم اما کار ممکن نبوده؛ بهرغم این همه اعتراض، بازهم دلار روز به روز بی‌وقفه گران شد، پارچه هم گران‌شد و من برای اینکه کار گرانم بیکار نشونود، حقوق دو ماه‌شان را پیش از جیب دادم و فرستادم؛ شان خانه...» او که حالا بغضی تلخ صیدایش را خش انداخته، می‌گوید: من عقیده دارم نان کار گرهایم را می‌خورم، آنها هستند که کارگاه را با عرق جبین سر پا نگه داشته‌اند، اما وقتی نتوانم پول پارچه بدهم، مجبورم موتور بوزم؛ چرخ‌ها کار می‌ایستد.

◀ **هیچ کس صدای اعتراض ما را نشنید**

علیرضا اضافه می‌کند: اعتراض کردیم، فایده نداشت، فقط تهدید بشدیم؛ رئیس جمهور گفت صدای معترضان را می‌شنویم؛ یک جلسه فرمایشی گذاشتند؛ اعتراض‌ها را سر کوب کردند و قیمت دلار همچنان بالا و بالاتر رفت... او در ادامه صحبت‌ها از کارگرهایش می‌گوید: یکی